



فرهنگ داروشناسی

«قسمت پانزدهم»

Cordial

از نظر لغوی به معنای يك تونيك يا تقويت کننده قلبی است هر چند که دیگر بدین معنا مورد استفاده قرار نمی گیرد و امروزه به معنای يك نوشابه غیر الکلی با طعم میوه بکار می رود.

Coronary vasodilator drugs

داروهاییکه موجب گشادی شریانها و شریانچه های کرونر قلب می شوند. نمونه های آن شامل نیفدیپین، پرهگزیلین و نیتراهای آلی می گردد. این که آیا این داروها باعث گشادی عروق کرونر مبتلا به آترواسکلروز diseased atheromatous در آثرین صدری هم می شوند فعلاً مورد بحث و جدل می باشد. کار آیی آنها در آثرین صدری ممکن است از طریق اثری متفاوت اعمال گردد.

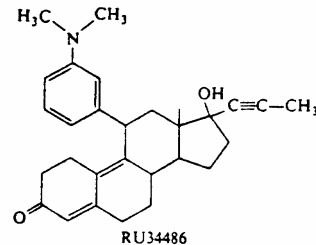
Corticosteroid blocking drugs

داروهایی که مانع بروز اثرات کورتیکواستروئیدها می گردند. ترکیب RU34486 [17β - hydroxy - 11β - (4 - dimethylaminophenyl) - 17α - (prop - 1 - ynyl) - estra - 4, 9 - dien - 3 - one] يك نمونه از این ترکیبات است. این

Co-operativity

سهولتی که بعد از اتصال اولیه يك مولکول کوچک به يك مولکول بزرگ برای اتصال مولکول بعدی ایجاد می گردد. به عنوان مثال اتصال اولین مولکول O₂ به دزو کسی هموگلوبین دارای يك ثابت تمایل نسبتاً پائین است ولی پس از اتصال تغییراتی در شکل ساختمانی مولکول هموگلوبین بوجود می پیوندد که موجب تسهیل اتصال (انرژی کمتر) مولکولهای بعدی اکسیژن (۳) در محل های هم (haem) می گردد. شواهد موجود نشان می دهد که این مسئله در مورد بعضی اتصالهای آگونیست به گیرنده نیز وجود دارد، مثلاً اتصال يك مولکول استیل کولین به يك گیرنده نیکوتینی ممکن است موجب تسهیل اتصال دومین مولکول استیل کولین گردد. این مسئله به صورت منفی نیز می تواند وجود داشته باشد، مثلاً اتصال انسولین به گیرنده اش مانع از اتصالات بیشتر و همینطور موجب تسریع در جد شدن آن از گیرنده می شود. این مکانیزم که تضمین کننده پاسخ بیشتر در غلظتهای پائین انسولین می باشد با افزایش غلظت انسولین سرعت واکنش آن با گیرنده اش را کاهش می دهد.

ترکیب از اثر پروژسترون نیز جلوگیری می نماید.



Corticosteroids

هورمونهای استروئیدی هستند که توسط قسمت قشری غدد فوق کلیوی ساخته و ترشح می شوند. هورمونهای اصلی شامل هیدروکورتیزون، کورتیکواسترون، آلدوسترون و دهیدرواپی اندروسترون می گردد. گروهی از این واژه به صورتی عمومی تر استفاده نموده، آنرا جهت آنالوگهای صنعتی این هورمونها نیز بکار می برند. آنالوگهای صنعتی شامل، کورتیزون، فلودروکورتیزون، پردنیزولون، دگزامتازون و بسیاری داروهای دیگر می گردد.

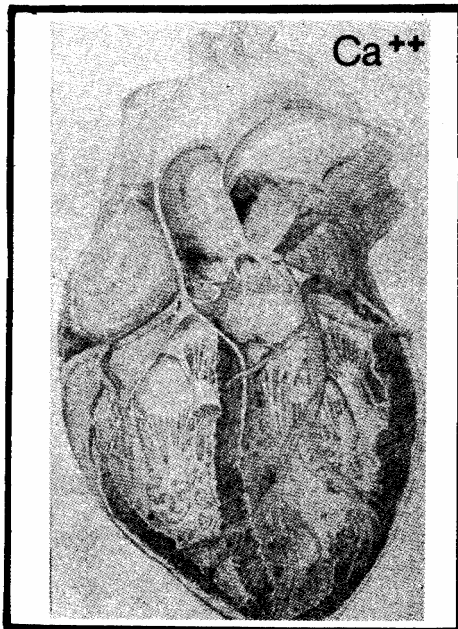
Co - transmitter

ماده ای که تحت تأثیر جریانات عصبی از انتهای اعصاب به همراه واسطه شیمیایی اصلی آزاد می شود و بر روی عملکرد واسطه شیمیایی اصلی نقش تعدیل کننده دارد. در حالی که شواهدی قاطع مبنی بر وجود «هم واسطه هایی» که بدین گونه عمل می نمایند در دست نیست ولی از طرف دیگر شواهدی موجود است که وجود آنها را در بعضی از نقاط بدن پیشنهاد می نماید.

بسیاری از آکسونهای مرکزی علاوه بر واسطه شیمیایی اصلی حاوی يك يا چند پلی پپتید می باشند که احتمالاً بدین طریق عمل می نمایند و پیشنهاد گردیده که ATP یا نوروپپتید Y ممکن است بدین صورت در بعضی از فیبرهای عصبی نور آدرنژیک نقش داشته باشند.

Cough suppressant

مراجعه شود به antitussive drug

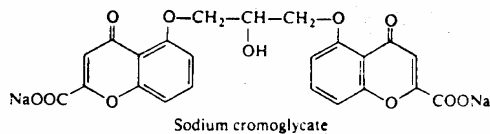


Counter - irritants

موادی که موجب تسکین يك تحريك آزار دهنده شده و باعث يك احساس طولانی ولی کم آزار تر از محرك اولیه می شوند. به نظر می رسد که این اثر ضد تحریکی از خود محرك سبقت گرفته و توجه مغز را از محرك دردزای اولیه منحرف می نماید. این يك تجربه عمومی

باشد. از طرف دیگر مشخص گردیده که پس از تماس با يك محرك حسی کرومو گلايكت موجب کاهش ترشحات از فیبرهای آوران ریوی می گردد. از جاییکه برونکواسپاسم معمولاً توسط تحريك گیرنده های حسی ریوی توسط يك ماده محرك آغاز می شود لذا کاهش شدت این اثر توسط کرومو گلايكت ممکن است یکی از اجزاء مهم اثربخشی آن باشد.

تعداد زیادی ترکیبات ضد آلرژیک وابسته به کرومو گلايكت ساخته و مورد آزمایش قرار گرفته اند ولی هیچکدام از این ترکیبات در درازمدت در درمان پیشگیرانه آسم و رینیت آلرژیک موثر واقع نشده اند. بنابراین کرومو گلايكت در این زمینه استثنایی است و به همین دلیل در اینجا به تنهایی مورد بررسی قرار گرفت.



Crotamine

يك پلی پپتید قلیائی سمی که از زهر مار *Crotalus durissus terrificus* Var. *Crotaminicus* جدا گردیده است. به نظر می رسد که از طریق فعال نمودن کانالهای سدیم در غشاء فیبرهای عضلانی ایجاد دیپلاریزاسیون و انقباض می نماید. تترودوتوکسین (tetrodotoxin) مانع اثر آن می شود.

است که خاراندن پوست با ناخنها (يك ضد محرك) موجب رفع خارش می گردد. از این اصل در تهیه روغن و پمادهای rubifacient جهت مصرف موضعی (پوستی) برای تسکین درد عضلانی استفاده می شود. این ترکیبات حاوی مواد محرکی هستند که سبب تحريك انتهای اعصاب حسی، گشادی عروق پوستی و احساس گرمی می شوند. متیل سالیسیلات، capsaicin، کامفر، منتول و اسانس ترابنتین از جمله مواد ضد محرك می باشند.

Cromoglycate

يك داروی ضد آلرژي از خانواده chromone - 2 - carboxylic acid می باشد. این دارو بطور اتفاقی توسط Cox و همکارانش که در صدد یافتن اثر شل کنندگی عضله صاف ترکیباتی وابسته به ماده های طبیعی به نام خلین (Khellin)، از دانه Ammi (Visnaga) بودند کشف گردید. در حقیقت کرومو گلايكت يك شل کننده عضلات صاف نمی باشد، بلکه در طی بررسی ها، مشخص گردید که دارای يك اثر استثنایی یعنی جلوگیری از بروز برونکواسپاسم در نتیجه تحريك آنتی ژن در آسم حساسیتی می باشد. آزمایشات بعدی نشان دادند که کرومو گلايكت مانع آزاد شدن واسطه ها از ماستوسیت ها می گردد و این امر به عنوان مکانیزم اثر آن فرض شده است. هر چند که در این زمینه شك وجود دارد که این اثر: آنها اثر و یا مکانیزم اصلی آن در انسان

Crotoxin

جزء اصلی زهر مار زنگی برزیلی
Crotalus durissus terrificus
می‌باشد. این ماده از آزاد شدن استیل کولین از



انتهای اعصاب کولینرژیک و همینطور از اثر
استیل کولین در محل‌های اتصال عصبی -
عضلانی ممانعت بعمل می‌آورد.

Curare

ماده‌ای است استخراج شده از گیاهان
آمریکای جنوبی (*chondrodendron*
tomentosum or *strychnos*
toxifera) که توسط سرخ‌پوستان
آمریکای جنوبی بر روی نوک نیزه مالیده و در
شکار مورد استفاده قرار می‌گرفت. گفته می‌شود
که کلمه کورار از کلمات محلی به معنی

«پرنده» و «کشتن» اقتباس شده و اولین بار در
اروپا توسط یکی از همکاران Sir Walter
Raleigh بعد از بازگشت از آمریکای جنوبی
بکار گرفته شد. کورار تهیه شده از گیاه
C. tomentosum اغلب در لوله‌های مخصوصی
قرار گرفته و معروف به "tube curare"
بوده است. آلکالوئید عمده این ترکیب ماده‌ای
به اسم توبو کورارین می‌باشد. کورار تهیه شده از
گیاه *S. toxifera* در ظرف‌های مخصوصی
قرار می‌گرفته (*pot curare*) و آلکالوئید
عمده آن تو کسینفرین I می‌باشد. کلود برنارد
اولین نتایج آزمایشگاهی قانع کننده در مورد
محل اثر کورار را در اوایل سال‌های ۱۸۵۰
منتشر نمود. داروهای مسدود عصبی - عضلانی
معمولاً داروهای شبه کورار خوانده می‌شوند.

Curare-like drugs

مراجعه شود به داروهای مسدود عصبی -
عضلانی.

Curariform drug

نام دیگری جهت داروی مقلد کورار
می‌باشد.

Curarimimetic drug

دارویی با خواص کورار یعنی یک داروی
مسدود عصبی - عضلانی. گالامین
(*gallamine*) و پانکرونیوم
(*pancuronium*) مثالهایی در این زمینه
می‌باشند.

Cyanogens

موادی که در بدن موجب تولید سیانور (HCN) می‌شوند. بعضی از غذاها ممکن است حاوی مواد سیانوزن باشند که اگر به گونه‌ای نادرست تهیه شوند سمی خواهند شد. این مواد غذایی شامل cassava، بادام تلخ، سرشاخه‌های نارس خیزران، و بعضی از انواع لویا (Lima beans) می‌باشد. لیتریل (laetrile) که عمدتاً از آمیگدالین تشکیل یافته و از apricot stones بدست می‌آید، ماده‌ای است سیانوزن که ادعا می‌شود به صورتی انتخابی توسط سلولهای سرطانی تحت تأثیر آنزیم بتا گلو کورونیداز شکسته و به بنزآلدئید و سیانور تبدیل می‌گردد و میزان سیانور آن جهت کشتن سلولهای سرطانی کافی می‌باشد.

البته شواهد قانع کننده‌ای دال بر موثر بودن لیتریل در درمان سرطان موجود نمی‌باشد و به علت سمیت و انحراف بیماران از درمان مناسب فروش آن در بسیاری از کشورها منع شده است.

Cyclic adenosine 3', 5'- monophosphate

مراجعه شود به AMP حلقوی.

Cyclic AMP

یک نوکلئوتید حلقوی است که از طریق تراکم بین مولکولی ATP تحت تأثیر آنزیم آدنیلات سیکلاز موجود در غشاء پلاسمایی اکثر

سلولها ساخته می‌شود. AMP حلقوی موجب فسفوریلاسیون آنزیم پروتئین کیناز می‌شود و این نیز به نوبه خود موجب فسفوریلاسیون پروتئینهای دیگر و در نتیجه فعال یا غیر فعال شدن عملی آنزیمی می‌گردد. گیرنده‌های غشایی بسیاری از هورمونها (پیام رسان اولیه) مرتبط با آنزیم آدنیلات سیکلاز می‌باشند. ترکیب هورمون با گیرنده سبب فعال شدن آنزیم آدنیلات سیکلاز و ساخته شدن AMP حلقوی (پیام رسان ثانویه) می‌گردد و این امر موجب بروز واکنشهای مناسب درون سلولی می‌گردد. با اینکه AMP حلقوی نقش وسیعی را به عنوان پیام رسان ثانویه در درون سلول دارد اما در دو محل تحت کنترل قرار دارد. (۱) وجود گیرنده‌های اختصاصی در غشاء سلولی جهت هورمونی خاص؛ (۲) وجود آنزیمهای خاص در سیتوزول که توسط پروتئین کیناز فسفوریله شده فعال می‌شوند. هورمونهایی که از طریق سیستم آدنیلات سیکلاز - AMP حلقوی اثر می‌نمایند شامل اثر آدرنالین و نورآدرنالین بر روی گیرنده‌های بتا (β)، گلوکاگون، وازوپرسین، هورمون پاراتیروئید، تیروتروفین، کورتیکوتروفین، هورمون لوتئینی و هورمون محرک ملانوسیتها می‌گردند.

مآخذ

Bowman, W.C., Bowman, A. and Bowman, A., Dictionary of Pharmacology, first edition: Black Well Scientific Publications, 59-63, 1986.